



سری جدید «فرمول یک» آماده پخش

سری جدید برنامه «فرمول یک» با اجرای علی ضیا نیمه خرداد پخش خواهد شد.

عوامل برنامه در فراخوانی از افرادی که در حوزه خوانندگی فعالیت دارند دعوت کرده اند تا قطعه‌ای را با محوریت موضوع «ایران و همدلی» تا ۵ خرداد برای برنامه «فرمول یک» ارسال کنند. قرار است آهنگ‌ها و خواننده‌های حرفه‌ای‌تر، به‌شکل زنده در برنامه «فرمول یک» اجرا کنند برنامه «فرمول یک» کاری از گروه اجتماعی شبکه یک سیاست و سید علی ضیا تهیه کنندگی و اجرای آن را برعهده دارد.

آزمون و خطای نمایش آنلاین

این فیلمساز از طرفی به ضعف‌های نمایش آنلاین در کشور پرداخت و گفت: «از طرفی زیرساخت VOD در کشور ما قوی نیست و هنوز امتحان خود را پس نداده است. تا پیش از این، فیلم‌ها پس از اکران گسترده وارد این مدیوم می‌شدند و با استقبال نسبی مخاطبان مواجه می‌شدند اما در حال حاضر دغدغه کپی‌رایت و سرقت آنلاین فیلم‌ها وجود دارد و حفاظت از فیلم و صاحب اثر که موضوع زمان‌بری است و باید ببینیم آزمون نمایش آنلاین فیلم‌ها چطور پیش خواهد رفت.» او همچنین به فیلم‌های دولتی که ریسکی چندانی برای ضرر و زیان ندارند و با فراغ بال می‌توانند وارد راه پیش‌رو هم آزمون و خطاست که باید برای فیلم‌های دولتی اتفاق بیافتد که تعدادشان هم کم نیست و توان چنین ریسکی برای‌شان مهیا است. در غیر این صورت فیلم‌های بخش خصوصی نباید قربانی این آزمون و خطا بشوند و فکر نمی‌کنم هیچ تهیه‌کننده‌ای از بخش خصوصی حاضر به پذیرش چنین خطری باشد و سرمایه‌ای که با سختی وارد سینما کرده است را به راحتی فدای این امتحان که هنوز نتیجه‌اش مشخص نیست بکند.مگر اینکه شرایط به گونه‌ای پیش صاحبان آثار سرمایه فیلم شوند»



«تکیه دولت» به زودی کلید می‌خورد

که در این سریال به آنها پرداخته می‌شود. بنا به این گزارش، حسن هدایت فیلم‌نامه این اثر را نگاشته است و سال گذشته برای آن پروانه ساخت نیز دریافت کرد. این مجموعه قرار است در کاخ گلستان، گرگان و قزوین مقابل دوربین رود. تهیه این سریال را هم برعهده خواهد داشت. درباره عوامل پشت دوربین این سریال هنوز نامی به میان نیامده است، اما به گفته کارگردان عوامل پشت دوربین اکثراً افرادی‌اند که در آثار قبلی هدایت نیز حضور داشته‌اند.

در این مجموعه تلاش شده است به ریشه‌های ترمیز و جایگاه رفیع این هنر دینی در دوره قاجار پرداخته شود. همچنین ارزیابی اجمالی درباره تکیه دولت در این سریال انجام خواهد شد. گفتنی است حسن هدایت پیش‌تر ساخت فیلم‌های سینمایی متعددی از جمله «گراند سینما»، «چشم شیطان»، «بیگانه‌ای در شهر»، «سایه روشن» و «یک مرد، یک شهر» را به عنوان کارگردان در کارنامه هنری خود دارد.

بازگشایی سینماها در عید فطر متفی شد

دارم مجموعه ستاد مقابله با کرونا خودشان هم مطالعات بیشتری انجام داده‌اند اما اینکه فعلا در عید فطر بازگشایی نخواهیم داشت، قطعی است. در مرحله بعد اولین احتمالات بازگشایی بعد از نیمه خرداد و یا پایان خرداد خواهد بود.

طباطبایی‌نژاد بیان کرد: اگر نگاهی به بازگشایی سینماها در کشورهای دیگر هم ببینا‌ریم متوجه می‌شویم که تقریبا همه شرایط ما را دارند. برای مثال در فرانسه ماه سپتامبر به این منظور اعلام شده یا استرالیا با شرایط محدودی بازگشایی را داشته است یعنی همه کشورها شرایط مشابهی دارند.



روزنامه صبح ایران / سال نهم _ شماره۳۷۲ پنجشنبه ۱ خرداد ماه۱۳۹۹ / با ما همراه شوید @serajname _ www.serajonline.com

فرهنگ و هنر

آدم مرمری‌های سینمای ایران

شلوغ است و شخصیت‌های آن به‌قدری پرتعداد هستند که به هرکدام مقدار کمی فرصت عرضه می‌رسد. حتی شخصیت اصلی این فیلم نسبت به بسیاری از فیلم‌های دیگر، کمتر فرصت دیده شدن پیدا می‌کند. باین‌حال بخشی هم به مامور امنیتی فیلم رسیده که اگر قرار باشد برای ارتفاع پست یک شخصیت منفی درنظر گرفته شود، این عنوان به همین مامور برادعا می‌رسد. این مامور امنیتی نه مثل سلحشور در آژانس شیشه‌ای نمادی از یک نوع نگاه سرد و واقع‌گرایانه به مسائل است که شاید در ارکان مدیریتی کشور هم نمود داشته باشد، نه مثل ماموری که در به رنگ ارغوان دیده شد، شخصیتی احساسی و لطیف دارد و حتی رمبو و بز‌بهدار هم نیست. مامور امنیتی ارتفاع پست حتی آرمان هم ندارد و همه‌چیزش ادعاست. این حالت نمایشی و برادعا، شخصیت او را به‌رغم شغل خاصش مقداری انسانی و ملموس می‌کند. ادعاهای این مامور امنیتی گاهی شخصیت او را مضحک می‌کند. حتی پس از سقوط هواپیما او بدون اینکه بداند در کجا فرود آمده‌اند، از اینکه در خاک بیگانگان نیستند و اسباب روکم‌کنی برای آن‌ها فراهم نشده، خوشحال است.

آخرین بازمانده عصر آرمان‌گرایی

حاج حیدر «بادیگارد»، تقریباً در همان جایگاهی قرار گرفته که سلحشور در آژانس شیشه‌ای قرار گرفته بود؛ اما شخصیت خودش دنباله‌ای بر حاج‌کاظم است. بازهم آرمان و واقعیت مقابل هم قرار گرفته‌اند، اما این بار در فصل جدیدی از تاریخ سیاسی- اجتماعی ایران. عصرهای از شخصیت حیدر ذیحیی در این جمله از زبان خود او خلاصه می‌شود که «من بادیگارد نیستم، من محافظم» او صراحتاً اعلام می‌کند که نمی‌خواهد امروزی باشد. حیدر به‌لحاظ ساختار شخصیتی، نه به روزگار فعلی که عصر واقع‌گرایی سرد و بی‌احساس است، بلکه به دوره آرمان‌گرایی تعلق دارد. چالش او با دوران جدید، چالشی است که بیرون از فیلم بادیگارد در شئون مختلف زیست ایرانی نمود دارد.

سلحشور در آژانس شیشه‌ای به حاج کاظم می‌گفت که «دورته تمام شده مری» و حالا حیدر که دنباله همان حاج کاظم است، خودش در جایگاه شغلی سلحشور قرار می‌گیرد و دوره‌اش طی یک نمایش غم‌بار و دلگیر تمام می‌شود. حتی کسی که ایرانی نباشد و از تاریخ سیاسی این کشور طی چند دهه اخیر خبر نداشته باشد، با دیدن این فیلم و از روی شخصیت حیدر می‌تواند تا حدود زیادی درک کند که این کشور چه مسیری را از آرمان‌گرایی تا واقع‌گرایی در این سال‌ها طی کرده است.

بی‌پروا یا شکاک

شاید خاطرتان نباشد، ولی اولین عکسی که از «درخون» در رسانه‌ها پخش شد، تصویر دو مامور امنیتی این فیلم را نشان داد. جواد عزتی، بازیگر نقش «صادق» و هادی حجازی‌فر، بازیگر نقش «کمال» با همان گریم و شمایل عضو تیم عملیاتی اطلاعاتی «ماجرای نیمروز» بودند. مخاطب با کمال و صادق از قسمت اول «ماجرای نیمروز» آشنا بود و حتی در جشنواره سی و پنجم، گریم جواد عزتی محل بحث شده

روزنامه صبح ایران / سال نهم _ شماره۳۷۲ پنجشنبه ۱ خرداد ماه۱۳۹۹ / با ما همراه شوید @serajname _ www.serajonline.com

فرهنگ و هنر

بود و از شباهتش به سعید امامی گفتند. سعید امامی یا سعید اسلامی از مأموران بلندپایه وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران و ازجمله چهره‌های جنجالی اواخر دهه ۷۰ بود. همان روزها سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده فیلم در پاسخ به سوالی درباره شباهت شخصیت صادق با سعید امامی گفت: «این نقش هیچ شباهتی به سعید امامی ندارد و سعید امامی در آن موقع در سپاه نبوده است»، اما قصه و شخصیت‌پردازی نقش کمال کمی فرق دارد. حجازی‌فر بازیگر نقش کمال گفته که شخصیت او یک همتای واقعی دارد، کسی که در آن زمان عضو تیم عملیاتی بوده. من او را ندیدم، ولی فیلم‌نامه‌نویس‌های‌مان با او صحبت کردند. واکنش‌های احساسی «کمال» در مواجهه با واقعیت زندگی خواهرش، مخاطب را هم در موقعیت واکنش به آرمان «کمال» قرار می‌دهد؛ واکنشی که گاه همراه با خنده به این شخصیت بود و از سر شک به منطق برخورد با منافقین.

اگرچه محمدحسین مهدویان کارگردان فیلم، شخصیت‌هایی که ساخته را الهام‌گرفته از مابه‌ازای واقعی می‌داند، هرکدام از این شخصیت‌ها در فیلم دراماتیک‌تر شدند. برخی از منتقدان هر کدام از مأموران امنیتی که در فیلم نشان داده شده را نمادی از جریان‌ها و تفکراتی می‌دانند که در دستگاه‌های امنیتی هستند. جریان‌هایی که درمورد پدیده‌های مختلف امنیتی اختلاف نظر دارند. مثل کمال و صادق که دو جریان فکری و روشی را در دستگاه امنیتی نمایندگی می‌کنند. کمال بی‌پروا و صادق شکاک.

باخلاق، ولی بی‌عرضه

«شبی که ماه کامل شد» نه قصه عبدالملک ریگی است و نه قصه دستگیری او توسط نیروهای امنیتی. این فیلم یک قصه تلخ واقعی را تعریف می‌کند. سیر تغییر یک عاشق پیشه به یک قاتل. شاید به خاطر همین باشد که کارگردان زیاد روی ماموران امنیتی و حضور آن‌ها در فیلم تکیه نمی‌کند. دو صحنه در فیلم گذاشته شده که تأکیدی صرف بر این دارد که وجوه انسانی یک مامور امنیتی را تصویر کند. البته همین تأکید اغراق شده نه‌تن‌ها کمکی به نشان دادن تصویر واقعی یک مامور امنیتی نکرده است بلکه باعث شده که این ماموران شبیه آدمک‌هایی منفعل و بی‌کارکرد شوند.

یکی از همین صحنه‌ها مربوط به زمانی است که مامور امنیتی می‌تواند عبدالملک ریگی را بکشد، ولی چون بچه‌ای در بغل اوست از انجام این کار امتناع می‌کند. صحنه دیگر هم تلاش یکی از ماموران برای نجات فائزه منصوری قربانی اصلی ماجرا است که بی هیچ توجیه منطقی این تلاش هم ناکام می‌ماند. با اینکه فیلم از مشاوران امنیتی بهره برده، ولی هیچ اشاره‌ای به فرآیند عملیاتی ماموران در این دو صحنه ندارد. همین پرداخت دمدستی باعث شده که مخاطب با یک مامور امنیتی بی‌عرضه طرف باشد.

علی صادقی و زندگی هنری



ازدواج و همسر علی صادقی: علی صادقی سالهاست ازدواج کرده و متاهل می باشد، مدتی شایعه شده بود با ملیکا زارعی معروف به خاله شادونه ازدواج کرده که صحت ندارند و همسرش چهره نیست. علی صادقی در فصل پائیز سال ۵۹ در بیمارستان طرفه تهران به دنیا آمد. پدر وی تراشکار و مادرش نیز خانه دار است. صادقی یک برادر بزرگتر از خودش و یک خواهر کوچکتر دارد. شروع کار علی صادقی در جلوی دوربین به گفته خودش از مجموعه آفتاب عالم تاب ساخته امیر سماواتی و مازیار حبیبی نیا بود.علی صادقی در ژانر طنز به ایفای نقش می پردازد و چهره ای دوست داشتنی برای دوستداران فیلمهای طنز به شمار می رود.

علی صادقی به گیتار برقی علاقه زیادی دارد و اصلا اهل فوتبال نیست. وی کار کوچی ی اقایا را بیشتر از بقیه کارهایش دوست دارد. و بزرگترین آرزوش علاقت به خیرش است. از کارتون های مورد علاقه علی صادقی د ر دوران کودکی اش کارتون عروسکی ارگ و جبرجیر، بن و سباستین، گامبا و یونیکو اسب شاخدار است.

نمادی برای واقعیت

سلحشور در «آژانس شیشه‌ای» نماد واقعیت است و درمقابل حاج کاظم قرار می‌گیرد که نماد آرمان‌گرایی بود. مشخص است که فیلم طرف آرمان را می‌گیرد و مخاطبش را هم با خود همراه می‌کند. حتی سلحشور را تنها با نام خانوادگی می‌شناسیم و حاج‌کاظم را به اسم کوچک. سلحشور و حاج‌کاظم هر دو دغدغه امنیت ملی را دارند، اما زاویه‌ای که هرکدام از این‌ها برای نگاه به چنین موضوعی دارند، متفاوت است. آژانس شیشه‌ای فیلم پردیالوگی است و شخصیت‌های آن مقدار معتناهایی از مواضع‌شان را به‌لایه دیالوگ‌ها به‌طور واضح بیان می‌کنند.

سلحشور که یک جتلمن خونسرد به‌نظر می‌رسد، از این جهت با حاج‌کاظم شباهت دارد که آدمی درون‌گراست. جالب است که هم سلحشور و هم حاج‌کاظم کاراکترهای کم‌حرفی هستند، اما اینجا و در آژانس کاکتوس، دیگ واقعیت چنان می‌جوشد که هردوی‌شان را به حرف می‌آورد. چیزی که باعث می‌شود سلحشور به‌رغم جذاب بودنش، دوست‌داشتنی نشود، سردی بی‌رحمانه و منطقی اوست. او در این فیلم نه‌فقط یک مامور امنیتی، بلکه نمادی از یک نوع نگاه سیاسی و مدیریتی به‌خصوص در کشور است.

تردیدی انسانی

به رنگ ارغوان یکی از پرحاشیه‌ترین فیلم‌های سینمای ایران بوده؛ البته تا قبل از اینکه اکران شود. هنوز هم وقتی می‌خواهند علیه سختگیری‌های ممیزی سیاسی استدلال کنند، به رنگ ارغوان را مثال می‌زنند که پس از پنج سال نه شنیدن از وزارت اطلاعات، بالاخره اکران شد و هیچ صدمه‌ای به امنیت ملی نزد. مشکل این فیلم نه تصویری که از یک مامور امنیتی نشان می‌دهد، بلکه تصویر آن نوع عملیات اطلاعاتی بود.

ارغوان، دختری که مامور امنیتی فیلم در خانه‌اش دوربین کار می‌گذارد، هیچ جرمی مرتکب نشده و دستگاه‌های امنیتی نمی‌خواستند که این دوربین کار گذاشتن نمایش داده شود؛ درحالی‌که وقتی نمایش داده شد هیچ اتفاقی نیفتاد. مامور امنیتی این فیلم رفته‌رفته عاشق سوژه تحت‌نظزش می‌شود. او میان عشق و وظیفه‌گیر می‌افتد و از طرفی شخصیتی خونسرد و فرمان‌بردار نیست؛ بلکه براساس ایدئولوژی کار می‌کند. روی همین حساب، وظیفه برای او جنبه ایدئولوژیک دارد و گیر افتادن بین عشق و وظیفه، معنایی خاص پیدا می‌کند. این کاراکتر جذاب و همدلی‌برانگیز فیلم به رنگ ارغوان یکی از منحصربه‌فردترین شخصیت‌ها در تاریخ سینمای ایران است.

برادعا و مضحک

«ارتفاع پست» یک فیلم سراسر اعتراضی است. جنگ‌زده‌های خوزستان برای خلاصی از وضعیت‌شان یک هواپیما را می‌زدند... اینجا طبیعتاً باید با ماموران امنیت پرواز روبه‌رو شویم که همین‌طور هم می‌شود؛ اما حاثی‌کیا همان اول کار این امور را حذف نمی‌کند تا روند فیلم را طور دیگری ادامه بدهد. این فیلم بسیار

علی صادقی متولد ۱۰ آذر سال ۱۳۵۹ در شهر تهران است، علی صادقی بازیگر طنز ایرانی است. این بازیگر فارغ التحصیل رشته کامپیوتر است و مدرک فوق دیپلم دارد. علی صادقی (متولد ۱۴ آذر ۱۳۵۹ در تهران) بازیگر سینما و تلویزیون ایران است. علی صادقی فوق دیپلم کامپیوتر است. پدرش تراشکار و مادرش خانه‌دار است. یک خواهر کوچک‌تر و یک برادر بزرگ‌تر از خودش دارد.

علی صادقی بازیگری را از سال ۱۳۷۰ و در سن ۱۱ سالگی شروع کرد. او توسط امیر سماواتی برای بازی در سریال آفتاب عالم تاب انتخاب شد و خیلی اتفاقی وارد حرفه بازیگری شد. علی صادقی با نقش آفرینی در سریال بهترین تابستان من به کارگردانی علی بهادر فعالیت حرفه ای را شروع کرد.

علی صادقی چند سال بعد و در همکاری با رضا عطاران در سریال‌های «کوچه اقایا» «خانه به دوش»، «مته‌م گریخت» و «زن‌گاه» «سه در چهار» «قطعه سر خط» «خوش نشین ها» «زن‌بابا» «در‌سرد والدین» «قرارگاه مسکونی» «بشت کنکوری ها» «زندگی به شرط خنده» به اوج رسید.

صادقی در کنار بازیگری فروشگاه فروش کامپیوتر و دو سوپر مارکت نیز دارد. علی صادقی به موسیقی و نوازندگی بسیار علاقه دارد و از شنیدن موسیقی بسیار لذت می برد. علی صادقی اهل ورزش های مانند شنا، اسکی و اومپیرانی است. او هیچ گاه به فوتبال و بدنسازی علاقه نداشته است. عاشق کارتون های قدیمی مانند بن و سباستین و در زمان کودکی بود. او به مسافرت بسیار علاقه دارد و شهر شیراز و جزیره کیش را دوست دارد.